

دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی

سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحه ۲۷۹-۳۰۰

بررسی اعتبار روایت «لیلة الرغائب» و تحقیق در معنای رغائب

سید محمود طیب حسینی*

چکیده:

یکی از اعمال ماه مبارک رجب، صلاة الرغائب است که مطابق روایتی منقول از رسول خدا ﷺ انجام آن در نخستین شب جمعه ماه رجب، موسوم به لیلة الرغائب، سفارش شده است. در مقاله حاضر، بعد از بررسی سند حدیث و اثبات ضعف آن، مشروعیت انجام اعمال این شب به قصد رجاء تبیین، و در ادامه درباره معنای «رغائب»، تفسیر آن به شب آرزوها نقد شده است. فرهنگ‌های لغت و روایات تاریخی و دینی روشن می‌کند که «رغائب» به معنای این کلمه عطاها و بذل و بخشش‌های بزرگ است که در میان سخاوتمندان و صاحبان اموال رایج بوده است. اما آموزه‌ها و روایات دینی، معنای «رغائب» را از عطاها صرفاً مادی به عطاهای بزرگ معنوی ارتقا داده است. نتیجه آنکه معنای «رغائب» در لیلة الرغائب و صلاة الرغائب و نافله صبح، عطاهای بزرگ مادی و معنوی این جهانی و عمدتاً ناظر به رزق و روزی، و توفیقات و برکات معنوی است که خدای تعالی به برکت این نمازهای وارد شده به بندگانش عطا خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: رغائب، لیلة الرغائب، آرزوها، ثواب عظیم، عطاهای بزرگ، نخستین شب جمعه رجب.

مقدمه

سید بن طاووس در کتاب *گرانسنگ اقبال*، در اعمال ماه مبارک رجب به لیلۃ الرغائب بودن نخستین شب جمعه ماه رجب اشاره کرده و اعمالی را برای آن نقل کرده است. لیلۃ الرغائب در میان عموم مردم به شب آرزوها شهرت یافته و تقریباً همه عوام و بسیاری از خواص، شب جمعه نخست ماه رجب را به شب آرزوها می‌شناسند. با این حال در توضیح شب آرزوها نیز اغلب به شب بیان و درخواست آرزوهای مقدس و دینی از درگاه خدای کریم اشاره می‌شود که در حقیقت، درخواست و دعاست نه آرزو، و هر فردی به قدر معرفت خود، آرزویی مقدس را در قالب حاجت و خواسته‌ای از خدای رحیم می‌طلبد. دلیل این تفاوت میان نام که «آرزو» است، با توضیح آنکه طلب درخواست و حاجت است، نیز روشن است. گرچه آرزو یکی از عطا‌های الهی است که دست آفرینش در نهاد انسان به ودیعت نهاده است و بشر برای رسیدن به کمال به این بُعد وجودی نیازمند است، در آموزه‌های دینی چندان مجال و تشویقی برای آرزو کردن و آرزوپروری در نظر گرفته نشده است. دین عرصه عمل است، نه آرزو. بشر به حکم ذات خود، به‌طور طبیعی و عادی به آرزو روی می‌آورد و اغلب در معرض آن است که در آرزو زیاده‌روی کرده به آرزوهای طولانی کشیده شود، و آموزه‌های دینی بر کنترل آرزوهای دور و دراز و عدم ابتلای انسان به آرزوهای طولانی و غیرواقعی تشویق می‌کنند. به هر روی در مقاله حاضر تلاش می‌شود ابتدا اعتبار این روایت مشهور از جهت سند بررسی شود، سپس با مراجعه به متون کهن، معنای «رغائب» بررسی شود تا مقصود از لیلۃ الرغائب به نیکی روشن گردد.

در باب پیشینه این موضوع باید یادآور شد که بعضی اهل علم به‌طور پراکنده، به ارزیابی اعتبار سند این روایت پرداخته و در آن تشکیک کرده‌اند، اما هیچ مقاله و نوشتار علمی‌ای یافت نشد که به بحث درباره این روایت از نظر اعتبار و تحقیق درباره معنای رغائب پرداخته باشد.

۱. بررسی اعتبار روایت لیلۃ الرغائب

گویا برای نخستین بار علی بن موسی بن طاووس مشهور به سید بن طاووس (م ۶۶۴) در کتاب *اقبال الاعمال* خود بدون ذکر سند، روایت مربوط به اعمال لیلۃ الرغائب و

صلاة الرغائب را نقل کرده و پس از وی علامه حلی (م ۷۲۶) در /جازه کبیرش به بنی زهره آن را با سندی از اهل تسنن آورده است. (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳) سید بن طاووس بدون ذکر سند، روایت را بدین مضمون از پیامبر ﷺ نقل کرده است: «از نخستین شب جمعه ماه رجب غافل نباشید، چه آن، شبی است که فرشتگان آن را لیلة الرغائب نامیده‌اند.» (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۶۳۵) علامه مجلسی این روایت را با سند به نقل از علامه حلی در /جازه اش به بنی زهره آورده است. وی می‌نویسد: «نماز رغائب را حسن بن دربی از حاج صالح مسعود بن محمد بن ابی الفضل رازی که مجاور حرم امیرالمؤمنین علیه السلام است نقل کرده که در محرم سال ۵۷۳ق بر وی چنین قرائت کرده است: شیخ زین الدین ضیاء الاسلام ابوالحسن علی بن عبد الجلیل العیاضی رازی در شهر ری در اول ماه رجب سال ۵۴۴ق برای من نقل کرد که شرف الدین منتجب بن حسن بن علی حسنی از سدیدالدین ابوالحسن علی بن الحسن جاسبی از مفید عبدالرحمن بن احمد نیشابوری خزاعی در ری شنید که گفت: ابوعبدالله حسین بن علی از حاج سموسم از ابوالفتح بن رجاء بن عبد الواحد اصفهانی از ابوالقاسم عبد العزیز بن راشد بندار شیرازی از ابوالحسن همدانی از ابوالحسن علی بن محمد بن سعید بصری از خلف بن عبدالله صنعانی از حمید طوسی این حدیث را از انس بن مالک برای ما نقل کرد که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رجب ماه خدا و شعبان ماه من و رمضان ماه امت من است. گفتند: ای رسول خدا یعنی چه که می‌فرمایید: رجب ماه خداست. حضرت فرمودند: زیرا که در ماه رجب مغفرت الهی سرازیر است، خون‌ها در آن حفظ می‌شود (چون یکی از چهار ماه حرام است) و در این ماه خدای تعالی توبه اولیائش را می‌پذیرد (به اولیائش عنایت خاص دارد) و آنان را در این ماه از دست دشمنانش نجات می‌بخشد. سپس فرمود: هرکس همه این ماه را روزه بدارد سه چیز برای او بر خدا لازم می‌گردد: همه گناهان گذشته‌اش را بیامرزد، در باقی مانده عمر او را از گناه حفظ کند و برای او امانی از تشنگی در روز ترس بزرگ (قیامت) باشد. در این حال پیرمرد ناتوانی برخاست و گفت: ای رسول خدا، من قادر بر روزه گرفتن تمام این ماه نیستم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز اول آن را روزه بدار، چراکه خدا کار نیک را به ده برابر می‌پذیرد، و وسط و آخر این ماه را نیز روزه بدار، و

این صورت ثواب روزه تمام این ماه به تو عطا می‌شود، اما از نخستین شب جمعه این ماه غفلت نکنید، که فرشتگان آن را لیلۃ الرغائب نامند، و آن هنگامی است که ثلث اول شب بگذرد. در این زمان فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین نباشد مگر آنکه در کعبه و اطراف آن گرد آید و خدای تعالی بر آنان وارد شود و گوید: ای فرشتگان من، هر چه می‌خواهید از من درخواست کنید. آنان گویند: پروردگارا حاجت ما این است که روزه‌داران ماه رجب را بیمارزی. خدای عزوجل گوید: آنان را آمرزیدم. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس نخستین پنجشنبه ماه رجب را روزه بدارد و مابین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز گزارد، هر دو رکعت به یک سلام، در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه مرتبه سوره انا انزلناه و دوازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون از نماز فارغ شد، هفتاد مرتبه بر من صلوات فرستاده بگوید اللهم صل علی محمد و علی آل محمد. پس به سجده رود و هفتاد مرتبه بگوید سُبْحٌ قَدُوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سِپِس سر از سجده بردارد و هفتاد مرتبه گوید رَبُّ اغْفِرْ و ارحم و تجاوز عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ، دوباره به سجده رود و هفتاد مرتبه گوید سُبْحٌ قَدُوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سپس در سجده از خدا حاجت خود را طلب کند برآورده می‌شود. سوگند به آنکه جانم به دست اوست، هیچ بنده‌ای از زن و مرد این نماز را به جا نیاورد، مگر آنکه خدای تعالی همه گناهانش را ببامزد هر چند به اندازه کف دریا و شمار ریگ‌ها و وزن کوه‌ها و برگ درختان باشد و و خدای تعالی شفاعت او را در حق هفتاد نفر از طایفه‌اش، که مستحق آتش دوزخ‌اند بپذیرد، و هنگامی که شب اول قبرش شود، ثواب این نماز با نیکوترین صورت و روی گشاده و زبان فصیح در قبر نزد او آید و چنین بشارتش دهد که: ای دوست من، خوشحال باش که از همه اندوه‌ها نجات یافتی. گوید: تو کیستی؟ به خدا قسم که رویی زیباتر از روی تو ندیده و سخنی شیرین‌تر از سخن تو نشنیده و بویی خوش‌تر از بوی تو نبویده‌ام. او پاسخ دهد: من ثواب فلان نماز تو هستم که در فلان شب از فلان ماه در فلان سال به جا آوردی. امشب آمده‌ام که حق تو را ادا کنم و مونس تو باشم و وحشتت را از تو دور کنم، و چون در صور دمیده شود در عرصه قیامت بر تو سایه اندازم. اکنون شادمان باش که هرگز خیر از دست ندهی.)* (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳-۱۲۶)

همین مفاد را سید بن طاوس در کتاب *اقبال* و به تبع وی، شیخ عباس قمی در *مفاتیح الجنان* با اندکی تغییر آورده‌اند. (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۶۳۵؛ قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳۱-۲۳۲)

در منابع اهل تسنن نیز این روایت از ابوسعید خدری نقل شده است. بعضی حدیث‌شناسان فریقین تصریح کرده‌اند که سند حدیث از عامه است، به‌علاوه سند دارای ضعف می‌باشد. مجلسی در *زاد المعاد* درباره نمازهای وارده در شب‌های ماه رجب می‌نویسد: «در کتاب‌های ادعیه برای هر یک از شب‌های ماه رجب نماز مخصوصی ذکر شده که چون سند معتبری برای آن نیافتم، دوست نداشتم آن‌ها را در اینجا بیاورم و از آنجا که خیلی مشهور بودند به‌اجمال آن‌ها را آوردم. اگر شخصی این نمازها را به این نیت که نماز خواندن امر مطلوبی است به‌جا آورد، اشکالی ندارد... و به‌دلیل عدم اعتماد به سند، نماز لیلة الرغائب را هم در این رساله نیاوردم. به‌علاوه اینکه این روایت از عامه و اهل سنت نقل شده است.» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۱-۴۳) سرآنکه مجلسی در *بحار* این روایت را به‌طور کامل نقل کرده اما در *زاد المعاد* نیاورده، دو مبنای متفاوت وی در این دو کتاب است. مبنای مجلسی در *بحار* در ارتباط با روایات ادعیه و ادویه و سایر روایات غیرفقهی با تسامح و اعتماد به مشهور همراه است. وی در مقدمه *بحار* می‌نویسد: «... و کتاب *طب الائمة* از کتاب‌های مشهور است، اما به‌دلیل مجهول بودن مؤلفش، از نظر اعتبار در حد سایر کتاب‌ها نیست، و این ضرری نمی‌زند؛ زیرا روایات کمی از آن مربوط به احکام فقهی است. همین‌طور درباره ادویه و ادعیه نیز نیازی به اسناد قوی نداریم.» (همان، ج ۱، ص ۳۰)

به هر روی، با بررسی‌ای که در کتب رجالی شیعه انجام گرفت، نام هیچ‌یک از رجال این سند، به‌جز انس بن مالک، در منابع رجالی شیعه نیامده و همه مجهول‌اند. در خصوص خلف بن عبدالله، صدوق در کتاب *خصال* روایتی را از او نقل کرده است که آن هم به‌درستی مشخص نیست همان صنعانی باشد یا فردی دیگر. (نک: صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۶۹) علامه محمدتقی شوشتری (م ۱۳۷۴ش) نیز حدیث را به‌دلیل عامی بودن، غیرمعتبر و غیرقابل اعتماد دانسته است. (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۰۳) از عالمان اهل تسنن ابن جوزی (م ۵۹۷ق) این حدیث را موضوع (جعلی) دانسته و از

استاد خود عبدالوهاب حافظ نقل می‌کند که گفته است رجال این حدیث همه مجهول‌اند و من همه کتاب‌های رجالی را گشتم و نام هیچ‌یک را در آن‌ها نیافتم (ابن جوزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۸)، سپس ابن حجر در کتاب رجالی خود، لسان المیزان، همین سند را به نقل از ابن جوزی و استادش آورده و همه را مجهول معرفی کرده است. (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۵۵) همو ذیل نام «علی بن جهضم عن علی بن محمد بن سعید البصری عن ابیه» می‌نویسد: رجال اسناد این روایت (رغایب) شناخته شده نیستند. البته دو راوی به نام علی بن محمد بن سعید داریم که ممکن است یکی یا هر دو بصری باشند (همان، ج ۲، ص ۴۰۳)، ضمن آنکه در هیچ‌یک از منابع رجالی نام «حمید طوسی» که از انس روایت نقل کند یافت نشد. البته آنان که با کتاب الموضوعات ابن جوزی آشناید، می‌دانند که دأب بن جوزی آن است که روایات ضعیف را نیز موضوع و جعلی معرفی می‌کند.

با اینکه سند روایت عامی و غیرمعتبر است، اهل سنت نیز درباره مشروعیت نماز لیلۃ الرغائب اختلاف نظر دارند. بعضی مانند شیخ عزالدین بن عبد السلام مشهور به سلطان العلماء (م ۶۶۰ق)، معاصر با سهروردی و اهل مصر، این نماز را باطل دانسته و به جلوگیری از آن فتوا داد. اما در مقابل وی، ابن صلاح (م ۶۴۳ق) ابتدا به منع آن فتوا داد و سپس از نظرش برگشت و بر جواز و مشروعیت آن نظر داد. (طاش کبری زاده، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۱۹) میان این دو عالم مباحثی در جواز و عدم جواز این نماز صورت گرفته که در قالب کتابی به نام مساجلة علمیه بشأن صلاة الرغائب بین ابن الصلاح و العزالدین بن عبد السلام منتشر شده است. از دیگر عالمان اهل سنت عبدالرحمن بن عبد السلام (م ۸۹۴ق) در کتاب نزهة المجالس روایت لیلۃ الرغائب را از پیامبر ﷺ چنین نقل کرده است:

«لا تغفلوا عن لیلۃ أول جمعة من رجب فإنها لیلۃ تسميها الملائكة لیلۃ الرغائب و ذلك لأنه إذا مضى ثلث الليل لا يبقى ملك في السموات و الأرضين إلا و يجتمعون في الكعبة و حولها فيطلع الله تعالى عليهم فيقول: يا ملائكتي سلوني ما شئتم فيقولون: ربنا حاجتنا إليك أن تغفر لصوام رجب فيقول الله تعالى: قد فعلت ذلك.» (صفوری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۸) از نخستین شب جمعه ماه رجب غافل نباشید که فرشتگان آن

را لیلة الرغائب می‌نامند، و آن شبی است که چون ثلثی از شب بگذرد، فرشته‌ای در آسمان‌ها و اقصی نقاط زمین نباشد مگر آنکه در کعبه و اطراف آن گرد هم آیند. در این حال خدای تعالی آنان را بدین مطلب آگاه سازد و فرماید: ای فرشتگان من، هرآنچه می‌خواهید از من درخواست کنید. فرشتگان گویند: پروردگارا حاجت ما این است که روزه‌داران ماه رجب را بیامری. خدای تعالی فرماید: به یقین آنان را آمرزیدم. بنابراین روایت لیلة الرغائب و صلاة الرغائب از نظر سند ضعیف است، و به دلیل این ضعف سند علمای هر دو فرقه درباره آن دو موضع مختلف گرفته‌اند: عده‌ای بر مشروعیت و حتی استحباب آن نظر داده و به انجام آن سفارش کرده‌اند و در مقابل، عده‌ای دیگر از علما به عدم اعتبار و استحباب آن نظر داده‌اند. به نظر می‌رسد قول به جعلی بودن روایت برخلاف روش علمی علما و فقهاست، و درباره آن باید گفت: اعتبار روایت صلاة الرغائب قابل اثبات نبوده و از نظر سند ضعیف است، اما این ضعف دلیل بر جعلی بودن و کذب حدیث نمی‌باشد، بلکه دلالت دارد بر این که صحت روایت یادشده ثابت نیست. از این رو روایت یادشده مشمول ادله تسامح سنن می‌باشد. «ادله تسامح سنن» عنوانی است برای مجموعه روایاتی که می‌گوید هر عبادت مستحبی که از پیامبر و ائمه علیهم‌السلام وارد شده است، اگر کسی به آن عمل کند امید است به ثواب‌های وعده داده شده بر آن عبادت برسد. مثلاً برقی با سند خود از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که فرمود: «هرکس ثواب بر عملی از پیامبر برای او نقل شود و او به آن خبر عمل کند، ثواب وعده داده شده آن عمل برای او خواهد بود، گرچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را نفرموده باشد.» (نک: برقی، بی‌تا، ص ۲۵) این روایت و روایات متعدد مشابه آن (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۰-۸۲) اطلاق دارد و شامل هر روایتی که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده باشد می‌شود ولو طریق نقل آن منابع عامه باشد، به خصوص که آن روایت شهرت نیز یافته باشد. به همین دلیل ظاهراً هیچ‌یک از فقها و علمای متأخر شیعه به عدم جواز و عدم مشروعیت این نماز فتوا نداده‌اند. در نتیجه، نظر نهایی درباره این روایت آن است که این نماز را باید به قصد رجا و امید به ثواب و پاداش وعده داده شده در روایت به جا آورد نه به قصد ورود و استحباب (نک:

فاضل، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۴)، چنانکه شأن بسیاری از عبادات مستحبی دیگر نیز چنین است و باید آن‌ها را به قصد رجاء به جا آورد.

۲. بررسی معنای رغائب

محور دومی که لازم است دربارهٔ روایت مشهور لیلۃ الرغائب به بحث گذاشته شود و به فقه الحدیث روایت یادشده مربوط می‌شود، بررسی معنای «رغائب» است که کلید اساسی فهم حدیث به شمار می‌آید. آنچه امروزه در میان عوام و خواص مشهورتر است، این است که «رغائب» به معنای آرزوهاست. در فرهنگ معاصر ذیل مادهٔ «رَغِبَ» آورده است: «آرزو کردن، میل داشتن، خواستن، و ذیل واژهٔ رغیبه آورده است: رغائب، چیز مطلوب، مورد آرزو، تمایل، خواسته.» (آذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۲۴۰)

مشاهده می‌شود که در این فرهنگ لغت، یکی از معانی «رغب» و «رغیبه» را آرزو و تمایل معنا کرده است. مؤلفان المعجم الوسیط نوشته‌اند: «رَغِبَ فلانٌ، یَرغِبُ، رَغْبًا و رَغْبَةً، و رُغْبَةً»، یعنی نسبت به آن چیز اشتیاق ورزید و طمع کرد. این ماده از کلماتی است که چون با دو حرف «فی» و «عن» به کار رود، بر دو معنای متضاد دلالت کند: «رَغِبَ عن..» بی‌علاقه شدن و «رَغِبَ فی..» مشتاق شدن و طمع کردن. (ابراهیم مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵۶) طمع را در لغت‌نامه‌های فارسی هم به آرزو معنا کرده‌اند و هم به امید و اشتیاق و... (معین، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۲۲۳۴) همچنین در این لغت‌نامه آمده است: «الرغیبه» مؤنث «رغیب» است به معنای چیز مطلوب، عطای زیاد، جمع آن «رغائب» است. گویند: «فلانٌ یُغیدُ الرغائب و یُفیء الرغائب»، یعنی فلانی مطالب شگفت می‌آموزد و عطاهای بزرگ می‌بخشد. در این لغت‌نامه همچنین رغیب را چنین معنا کرده است: «وادی رغیب» یعنی بیابانی که آب زیادی به خود جذب می‌کند، و «رجلٌ رغیب» یعنی مرد دارای گام‌های بلند که خیلی تند می‌رود، و «جملٌ رغیب» بار خیلی سنگین را گویند، جمع آن «رغاب» و «رُغْب»، نیز در حالت جمعیه به معنای چیزهای مطلوب و مورد آرزو هم می‌باشد. (ابراهیم مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵۶)

باید توجه داشت که دربارهٔ معنا کردن کلمات احادیث دو نکتهٔ اساسی باید در نظر گرفت: یکی آنکه از تفسیر آن کلمات به معنای جدید پرهیز شود، دیگر اینکه از آنجا

که معمولاً کلمات در هر زبانی دارای معانی متعدد است، باید در منابع کهن جست‌وجو شده و با شناسایی معانی متعدد یک کلمه، بهترین معنا با توجه به سیاق و سایر قرائن، برای لفظ مورد نظر گزینش و کلمه به آن ترجمه شود. ازاین‌رو، گرچه مؤلفان المعجم الوسیط تلاش کرده‌اند معانی جدید و مستحدث را از معانی کهن تفکیک کنند و به تحول معانی واژگان نیز اهتمام مطلوبی داشته‌اند، به بررسی این واژه در منابع کهن می‌پردازیم.

ابن فارس آورده است: «رغیبه» عطای بسیار را گویند، جمع آن «رغائب» است و «رغاب» زمین بزرگ و وسیع است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۱۶)

زمخشری در اساس البلاغه آورده است: «گویند: "إنه وهوبٌ للرغائب"، یعنی او بخشنده رغایب است، و رغائب اموال نفیس و ارزشمند را گویند که مطلوب همه است و همگان به آن تمایل دارند، مفرد آن رغیبه است. عرب دربارهٔ فرد بزرگ و بسیار بخشنده گوید: "فلان یفید الغرائب و یفیء الرغائب"، یعنی فلانی مطالب شگفت یاد می‌دهد و عطاهای بزرگ می‌بخشد. و "رجلٌ رغیب" مردی را گویند که شکم بزرگی دارد و بسیار پرخور است.» (زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۲۳۹)

«رغاب» زمین بزرگ و وسیع را گویند و «رغیبه» یعنی عطای بسیار، و عطای بسیار را رغیبه گفته‌اند، بدین جهت که مطلوب و مورد آرزوی همه است، مأخوذ از «رغبه» به معنای میل و اشتیاق و آرزو، و یا به جهت گسترده بودنش، که از زمین بزرگ و وسیع گرفته شده است. شاعر گفته است:

یعطی الرغائب من یشاء و یمنع
این مصرع شعر از عبده بن طیب است و بیت کامل آن چنین است:

أوصیکم بتقی الاله فإنه یعطى الرغائب من یشاء و یمنع

یعنی تو را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا که او عطاهای بزرگ را به هرکس که می‌خواهد می‌بخشد و از هرکس بخواهد دریغ می‌ورزد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۸)

ابن منظور نیز می‌نویسد: «رغیبه» در مورد عطا، به معنای بخشش فراوان، و جمع آن «رغائب» است. نمر بن توکب سروده است:

لا تَعْضَبَنَّ عَلَىٰ امْرِئٍ فِي مَالِهِ وِ عَلَىٰ كِرَائِمٍ صُلْبِ مَالِكَ، فَاغْضَبِ
وَمَتَىٰ تُصِيبَكَ خِصَامَةٌ، فَارْجُ الْغِنَىٰ وِ إِلَىٰ الَّذِي يُعْطِي الرِّغَائِبَ، فَارْغَبِ
درباره هیچ مردی نسبت به مالش خشم مگیر، بلکه نسبت به کرائم مال خودت
خشم بگیر. و هر زمان که فقر و نیاز به تو روی آورد، به غنا و ثروتمندی امیدوار باش،
و به کسی که رغائب می‌بخشد دل ببند.

شاعر دیگری در وصف ممدوح خود گفته است:

أَخُو رَغَائِبَ يُعْطِيهَا وَيَسْأَلُهَا يَا بِي الظَّلَامَةَ مِنْهُ التَّوْفَلَ الزُّفْرُ

مقصود از «اخو رغائب» شخصی است که اموال زیادی می‌بخشد و در این راه خود
را به مشقت می‌اندازد. «نوفل» یعنی دریا و «زُفْر» جمع «زفیر» به معنای حوادث
سهمگین است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۲۶؛ ازهری، ۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۳۷)
صاحب خزانه الادب در معنای شعر اخیر گوید: «رغائب» به معنای اشیاء مرغوب، و
مقصود از آن اشیاء گرانبها و ارزشمندی است که مردم به اندوختن و نگهداری آن
حریص‌اند. کلمه «اخو» خبر مبتداست، به تقدیر «هو اخو رغائب». جمله «يعطيها و
يسألها» نیز «اخو رغائب» را تفسیر می‌کند. «الظلامه» مال ارزشمندی است که ظالم از
مردم ستانده و نزد او دنبالش می‌گردند. «التوفل» به معنای دریا، و مجازاً درباره انسان
کثیر العطاء به کار می‌رود، و «الزُفْر» کسی را گویند که خانواده و نیرو و افراد و یارانش
زیاد باشند. (حموی، ۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۹۸)

این معنا از رغائب در روایات متعدد و روایات تاریخی و فرهنگ عرب نیز به چشم
می‌خورد. مثلاً حسین بن حمدان خصیبی (د ۳۳۴ق) از عالمان شیعی در کتاب الهدایة
الکبری روایت زیر را از امام صادق عليه السلام نقل کرده است:

«قَالَ: لَمَّا أَظْهَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَضْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ الْمُتَأَفِّقُونَ
يَتَخَفَتُونَ بِذَلِكَ وَيَسْتُرُونَهُ خَوْفًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَىٰ أَنْ خَطَبَ أَكَابِرُ قُرَيْشٍ فَاطِمَةَ، وَ
بَدَلُوا فِي تَزْوِجِهَا الرِّغَائِبَ، فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَا يَزُوجُ أَحَدًا مِنْهُمْ
حَتَّىٰ خَطَبَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ...»

هنگامی که رسول خدا فضیلت و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام را آشکار کرد، منافقان از ترس رسول خدا صلی الله علیه و آله در خفا و پنهانی درباره آن گفت و گو می کردند، تا اینکه بزرگان قریش حضرت فاطمه را از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کرده و برای ازدواج با ایشان پیشنهاد بخشش رغائب به آن حضرت دادند، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به هیچ کدام تزویج نکرد، تا آنکه علی بن ابی طالب از ایشان خواستگاری کرد... (خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۳)

در این روایت، به روشنی «رغائب» در مورد مهریه های بزرگ و بی اندازه به کار رفته است. نیز در روایت دیگری آمده است که هنگامی که عمران صابی از دانشمندان و بزرگان مسیحی در مرو به محضر حضرت رضا علیه السلام رسید، حضرت عمران صابی را بسیار تکریم کرد، و مأمون در مرو ده هزار درهم به عمران صله بخشید و وزیرش فضل، نیز مال زیادی به وی عطا کرد و حضرت رضا زکات بلخ را به وی واگذار کرد و بدین ترتیب عمران صابی به رغائب دست یافت: «... وَ وَصَلَهُ الْمَأْمُونُ بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ أَعْطَاهُ الْفَضْلُ مَالًا وَ حَمَلَهُ وَ وَلَّاهُ الرُّضَاعَ صَدَقَاتِ بَلْخٍ فَأَصَابَ الرُّغَائِبَ.» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۳۱۸)

سید بن طاووس در کتاب *بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية* درباره اقدامات تخریبی معاویه در زمان حکومتش نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که وی رغائب بذل و بخشش می کرد تا افراد قدر و منزلت علی علیه السلام را پایین آورده او را دشنام دهند، و کودکان در مکتب خانه ها به فنونی عمل می کردند که از قدر و منزلت علی علیه السلام می کاست. حتی معاویه به سمرة بن جندب برای جعل دو سخن چهار هزار درهم بخشید: یک سخن درباره علی علیه السلام و دیگری در شأن عبدالرحمن بن ملجم. سمرة این پیشنهاد را از معاویه پذیرفت و روایتی ذیل آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» (بقره: ۲۰۷) جعل کرد که بخش نخست آیه شریفه را که مدح است در شأن ابن ملجم معرفی کرد و ذیل آیه شریفه را که از افساد در زمین سخن گفته و آن را مذمت می کند در شأن علی علیه السلام معرفی کرد. (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۰)

نیز در شرح حال امام مجتبی علیه السلام آمده است که آن حضرت در جنگ با معاویه مردی از قبیله کِنده را با چهار هزار نفر پیشاپیش سپاه خود به سمت شام فرستاد. هنگامی که سپاه وی به شهر انبار رسید، معاویه قاصدی نزد وی گسیل داشت و وی را تطمیع کرد فرمانداری یکی از ولایات شام یا هر جای حجاز را که خود انتخاب کند و نیز پرداخت رغایبی از مال و حطام دنیا را به وی وعده داد. ضمناً پنجاه هزار درهم صله و خرجی سفر برای وی فرستاد، و این دشمن خدا اموال را گرفت و بدین ترتیب به امام مجتبی علیه السلام خیانت کرده به معاویه ملحق شد. (مسعودی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۹)

این روایات نیز به روشنی دلالت دارند که اساساً در فرهنگ عرب، رغائب بر مال و عطیه و صله زیاد اطلاق می شده و ارتباطی با آرزوها، خواه آرزوی مقدس یا از نوع آرزوهای طولانی که در آموزه‌های دینی اغلب مذموم تلقی می شود ندارد. شایان ذکر است که در هیچ یک از منابع لغت کهن یافت نشد که «رغائب» یا مفرد آن «رغیبه» را به آرزو یا تمایل معنا کرده باشند. بله بعضی از ارباب لغت به رابطه میان معنای اصلی کلمه که رغبت و میل است، با معنای «رغیبه» که عطای بزرگ است اشاره کرده و گفته اند: عطای بزرگ را از آن رو «رغائب» نامند که همه به آن رغبت و تمایل دارند.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین نقل شده است: «و أكرم نفسك عن كل دنية و إن ساقتك إلى الرغائب، فإنك لا تتعاض بما تبدل من نفسك عوضاً، ولا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حراً.» (صبحی صالح، ۱۳۹۵ق، نامه ۳۱، ص ۴۰۱؛ زمخشری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۸)؛ نفس خود را گرمی دار و از هر پستی‌ای بر کنار دار، هر چند تو را اموال فراوان و باارزشی برساند؛ چراکه هرگز نمی توانی در عوض آنچه از آبروی و شخصیت خود بذل می کنی عوض و بهایی به دست آوری، که هیچ چیز جای حرمت و آبروی تو را نمی گیرد، و هرگز بنده دیگری نباش که خدا تو آزاد آفریده است.

این معنا از «رغائب» در زبان فارسی نیز شناخته شده است. در فرهنگ معین آمده است: «رغیبه»: مؤنث رغیب، سپس از جمله معانی آن را عطای کثیر و بخشش بسیار دانسته که جمع آن «رغائب» است، و ذیل «رغایب» آن را جمع «رغیبه» به معنی چیزهای مرغوب و پسندیده و عطاها و دهش‌ها معنا کرده است. (معین، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۶۶۲) دهخدا نیز با معنا کردن «رغایب» به چیزهای مرغوب و عطاها نفیس و

بسیار، از ترجمه تاریخ یمنی متعلق به قرن هفتم چنین شاهد آورده است: چندان مواهب و رغائب در سلک ملک او آورد که حصر آن در حوصله وهم نگنجد (تاریخ یمنی، ص ۶۴۰)، نیز: خاص و عام در فواید غنایم و رغائب آن حرایب متساوی شدند. (همان، ص ۴۵۳)، نیز: لشکر اسلام با غنایم نامعدود و رغائب نامحدود به غزوه آمدند. (همان، ص ۴۵۴) همچنین به نقل از تاریخ جهانگشای جوینی که باز اثری متعلق به قرن هفتم است می‌نویسد: و بسبب فیضان مواهب و کثرت رغائب او از جوانب متوجه آن شدند ... و چون از کار جشن و مواهب رغائب پرداخت و چون از کار جشن و مواهب رغائب پرداخت. (دهخدا، ۱۳۷۳ ش، ج ۷، ص ۱۰۶۹۸)

نتیجه آنکه در فرهنگ عرب و منابع لغوی کهن، و به تبع آن در فرهنگ‌های فارسی، «رغائب» جمع «رغیبه» به معنای عطای بزرگ و بسیار مادی و نفیس و بخشش اموال فراوان است.

۳. معنای صلاة رغائب

علاوه بر ذکر «لیلة الرغائب» در روایات، در منابع شیعه و اهل سنت از «صلاة الرغائب» نیز یاد شده، و هر دو عنوان نیز به نخستین شب جمعه ماه شریف رجب اختصاص یافته است. کفعمی در کتاب شریف مصباح ذیل عنوان «صَلَاةُ الرَّغَائِبِ» همان دوازده رکعت نماز مخصوص را که در اعمال نخستین شب جمعه ماه مبارک رجب موسوم به لیلة الرغائب آورده است. متن روایت این است:

«الْمَرْوِيَةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَصَلِّي فِيهَا بَيْنَ الْعِشَاءِ بَيْنَ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ وَالْقَدْرَ ثَلَاثًا وَالتَّوْحِيدَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَإِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً ثُمَّ اسْجُدْ وَقُلْ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبْعِينَ مَرَّةً ثُمَّ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ سَبْعِينَ مَرَّةً ثُمَّ اسْجُدْ أُخْرَى وَقُلْ فِيهَا مَا قُلْتَهُ فِي الْأُولَى ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهُ تَعَالَى حَاجَتَهُ فِي سُجُودِهِ تُقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.» (كفعمی، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۲۶)

این نماز را بسیاری دیگر از منابع از جمله وسائل الشیعه به نقل از اجازه علامه حلی در بحار الانوار (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۹۸) آورده‌اند. ابوبکر خوارزمی نیز

در کتاب مفید العلوم، که البته کتابی در حوزه ادب است، در معرفی نمازهای اوقات خاص می نویسد: نخستین این نمازها «صلاة الرغائب» است که در نخستین شب جمعه ماه رجب مابین نماز مغرب و عشا خوانده می شود. این نماز دوازده رکعت است با شش سلام، که در هر رکعت یک بار سوره حمد، سه بار سوره قدر و دوازده بار سوره قل هو الله احد قرائت می کند، پس چون از نماز فارغ شد... ادامه نماز را به مانند روایتی که در صدر مقاله از شیخ عباس قمی نقل شد آورده است. وی سپس نویسد: این نماز را «صلاة الرغائب» نامیدند؛ زیرا که فرشتگان به جهت شرافت این نماز تمایل شدیدی دارند که به ادای آن نایل شوند. پیامبر ﷺ در فضیلت این نماز فرمود: به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هیچ بنده‌ای نیست که این نماز را به جا آورد، مگر آنکه خدا گناهان او را بیامزد، هر چند به تعداد ستارگان و ریگهای زمین و کف دریا باشد، و خدای تعالی شفاعت او را در حق هفتاد نفر از طایفه‌اش، که مستحق آتش دوزخ اند، و هنگامی که شب اول قبرش شود، ثواب این نماز در قبر نزد او آید و چنین بشارتش دهد که: خوشحال باش که از اندوه دنیا نجات یافتی و من مونس تو و نوری در قبر توام و در قیامت در سایه‌ام باشی. و هرکس این نماز را به جا آورد خدای تعالی سه ویژگی به او بخشد: گناهانش بیامزد، از معاصی نگاهش دارد و حاجتش برآورد. (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۱)

سید علی خان مدنی در کتاب الطراز الاول، احتمالاً به تبع ابن اثیر صاحب کتاب النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، مقصود از وجود «رغائب» در نماز را ثواب و پاداش بزرگ نوشته‌اند. وی نوشته است: «رغیبه» عطای بزرگ است که مورد رغبت همه باشد. نیز هر چیز نفیس و ارزشمندی که مطلوب همگان باشد را «رغیبه» گویند، جمع آن «رغائب» است. در روایت آمده است که دو رکعت نماز نافله فجر را وامگذار؛ زیرا که در آن رغائب است. «رغائب» در اینجا جمع «رغبة» است به معنای ثواب مورد رغبت و امید. به همین معناست «صلاة الرغائب» که در نخستین شب جمعه ماه شریف رجب می خوانند. (مدنی، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۷۱-۷۲) ابن اثیر در نهایه در شرح معنای «رغائب» در روایتی منقول از عبدالله بن عمر که می گوید: «لَا تَدْعُ رُكْعَتِي الْفَجْرِ فَإِنَّ فِيهِمَا الرَّغَائِبَ»، یعنی دو رکعت نماز نافله صبح را از دست مده که در آن رغائب

است، «رغائب» را به ثواب عظیم معنا کرده است. (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۲۳۸) طریحی صاحب مجمع البحرین نیز در شرح معنای «رغائب» در «صلاة الرغائب»، نخستین شب جمع ماه مبارک رجب آورده است: «نماز رغائب یعنی نمازی که برای آن ثواب زیادی امید می رود و آن نمازی است که در نخستین جمعه ماه رجب به جا آورده می شود.» (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۷۲) ظاهراً در عبارت طریحی سهوی رخ داده که نماز را برای نخستین جمعه ماه رجب معرفی کرده است؛ زیرا نماز برای نخستین شب جمعه رجب وارد شده است. به قرینه سایر نقل ها کلمه «لیل» در متن مجمع البحرین افتاده است.

وجود رغائب در نماز نافله صبح در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است. محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل در ذیل عنوان نافله صبح و بروجردی در جامع الاحادیث به نقل از ابن ابی جمهور احسانی در درر اللئالی از رسول خدا ﷺ نقل می کند که فرمودند: «الرَّكْعَتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ فِيهِمَا الرَّغَائِبُ.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۷۵؛ بروجردی، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۴) در دو رکعت نماز قبل از نماز صبح رغائب است.

اینکه ابن اثیر و سید علی خان مدنی و طریحی «رغائب» متعلق به نماز، خواه نماز نافله صبح باشد یا صلاة الرغائب، در شب جمعه اول ماه رجب را به ثواب زیاد تفسیر کرده اند گرچه نادرست نیست، به نظر مبهم و غیردقیق است. همان گونه که در منابع لغت و ادب و روایات نقل و توضیح داده شد، مراد از «رغائب» در اصل بذل و بخشش و عطاهای مادی و مالی بزرگ و فراوان است، و روشن است که ثواب عظیم و بزرگ اعم از عطای مادی است و شامل پاداش و ثواب های اخروی نیز می شود. قابل انکار نیست که اگر این نمازها برخوردار از ثواب زیاد می بود همانند بسیاری از دیگر روایات باید بر ثواب زیاد این نمازها با عبارتی دیگر به جز واژه «رغائب» تأکید می شد. ذکر کلمه «رغائب» برای اجر این نمازها آشکارا با معنای لغوی این واژه ارتباط روشن دارد. بنابراین معنای دقیق «رغائب» در این روایات هم در مورد لیلة الرغائب، و هم صلاة الرغائب و هم دو رکعت نماز نافله صبح عطا و بخشش است، متنها از روایات دینی چنین به دست می آید که معصومان علیهم السلام بسیاری از کلمات را از معنای مادیش برکشیده و به معانی معنوی هم تعمیم داده اند. از این رو می توان «رغائب» در این روایات

را اعم از عطای مادی یا عطای معنوی در حوزه رزق و روزی معنا کرد؛ عطایی که در زندگی دنیایی و همین عالم مؤمنان اثربخش و برکت‌زاست و سخت مورد نیاز و امید و طمع بندگان می‌باشد و البته آثار آن در حیات اخروی بندگان مؤمن نیز ظهور و بروز خواهد داشت، عطاهایی که نه تنها هر مؤمنی که هر انسانی به آن‌ها میل و رغبت دارد. شاهد این برداشت روایتی شریف و بسیار روشن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ارتباط با سفارش به ادای نماز نافله صبح وارد شده که در ارتباط با این نماز تعبیر به «رغائب» شده و آشکارا آن را با توسعه در رزق و روزی ارتباط داده است. متن روایت که در بخشی از حدیث مشهور به اربعة مائه آمده این است:

«مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى رَبِّهِ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ سَاعَةٍ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ - وَ سَاعَةٌ تَزُولُ الشَّمْسُ وَ حِينَ تَهْبُ الرِّيحُ وَ تَتَفَتَّحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَ يَصُوتُ الطَّيْرُ وَ سَاعَةٌ فِي آخِرِ اللَّيْلِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَإِنَّ مَلَكَيْنِ يَنَادِيَانِ هَلْ مِنْ تَائِبٍ يَتَابُ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَيَغْفَرُ لَهُ هَلْ مِنْ طَالِبٍ حَاجَةٌ فَتُقْضَى لَهُ فَأَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ اطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الصَّرْبِ فِي الْأَرْضِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقْسَمُ اللَّهُ فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ عِنْدَ رُكُوعِي الْفَجْرِ إِذَا صَلَّيْتُمُوهَا ففِيهَا تُعْطَوُا الرَّغَائِبَ.» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۶۱۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۶۸)

هرکه به درگاه پروردگارش حاجتی دارد آن را در یکی از این سه ساعت (زمان) از خدای رحمان طلب کند: ساعتی در روز جمعه، و ساعت زوال خورشید (هنگام ظهر) و هنگام وزیدن بادهای رحمت و گشوده شدن درهای آسمان و نزول باران و به صدا درآمدن پرندگان، و ساعت سوم زمان آخر شب، نزدیک طلوع فجر؛ زیرا که (در آن زمان) دو فرشته ندا می‌دهند: آیا توبه‌کننده‌ای به درگاه خدا هست تا توبه‌اش پذیرفته شود؟ آیا فقیری هست که نیاز خود را از خدا طلب کند و نیازش به او عطا شود؟ آیا استغفارکننده‌ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا حاجت‌مندی هست تا حاجتش برآورده شود؟ (سپس امام فرمودند: ای مؤمنان) دعوت این فرستادگان خدای تعالی را اجابت کنید و بین طلوع فجر و طلوع خورشید از خداوند روزی طلب کنید؛ چراکه دعا در این زمان برای دستیابی به روزی سریع‌تر اثر کند از تجارت کردن، چه خدای تعالی در

این زمان روزی را میان بندگانش تقسیم می کند. هنگامی که دو رکعت نماز نافله صبح به جا می آورید، در این نماز بر خدا توکل کنید (و امور رزق و کسب خود را به خدا واگذار کنید) که در این دو رکعت نماز رغائب به شما عطا خواهد شد. در این روایت، علاوه بر اینکه فضیلت نماز نافله صبح را بیان می کند از وجود رغائب، یعنی عطاهای بزرگ که هر فردی به آن رغبت می کند، در این نماز خیر داده و در جمله قبل از آن، این رغائب را به رزق و طلب روزی پیوند داده است.

این نکته را نیز باید اضافه کرد که با این شرح و توضیح درباره معنای «رغائب» ممکن است این انتظار ایجاد شود که مؤمنان به مداومت بر نماز نافله صبح یا صلاة الرغائب ماه شریف رجب در مدتی اندک صاحب اموال فراوان شوند، و یا اینکه اشکال شود کم نیستند مؤمنانی که سالها بر این دو نماز مداومت داشته و مدت زمان زیادی از عمرشان گذشته و از آن رغائب در زندگی شان خبری نشده و همچنان با فقر زندگی می کنند.

در پاسخ باید گفت این نکته ای درست به نظر می آید که چنین نیست که با مداومت بر نماز رغائب و نافله صبح خدای تعالی اموال مادی فراوان به بندگان مؤمنش عطا کند؛ چراکه بنا به ظاهر بعضی از آیات قرآن مجید ممکن است اموال فراوان هرگز به مصلحت بسیاری از بندگان مؤمن خدا نباشد. مطابق آیه شریفه ۲۷ سوره شوری «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» اگر خدای تعالی روزی را بر بندگانش خیلی توسعه دهد، آنان خدا را فراموش کرده و در زمین ستم می کنند. بنابراین همه بندگان مؤمن و خوب خدا ظرفیت ثروتمندی را ندارند. از این رو می توان گفت خدای تعالی به دلیل محبت به بندگانش به آنان آنقدر از روزی که ظرفیت آن را داشته و ایمان خود را بر باد ندهند عطا می کند. به عبارت دیگر خدای تعالی برکت در رزق به آنان عطا خواهد کرد اما آنچه مهم است و با رغائب سازگار است، خدای تعالی برکت در زندگی و کفاف و قناعت (رضایتمندی نسبت به آنچه برای آنان مقدر کرده است) عطا می کند و به آنان که ظرفیت ثروت داشته باشند، ثروت مادی فراوان نیز می بخشد؛ چراکه در ذیل آیه آمده است که خدای تعالی نسبت به بندگانش خبیر و آگاه و کاملاً بصیر و بیناست، او می داند به هر بنده ای چه میزان

عطای مادی و روزی گسترده ببخشد، و آنکه در این دنیا خدای کریم و بخشنده به او رغائب مادی نبخشد، مطابق روایات فراوان حتماً در عالم آخرت آن را برایش جبران خواهد کرد. با این حساب در روایات یادشده معنای «رغائب» از عطاها کاملاً مادی برکشیده شده و به عطاها و خیرات معنوی تعمیم یافته است. اساساً بر مؤمنان حقیقی و آنان که به معرفتی دست یافته‌اند، عطاها مادی دنیا ارزشی ندارد. گاه برای یک بنده مؤمن، یک توفیق یا قناعت و رضایتمندی از زندگی که خدا به او عطا کند و یا همسری که در کنار او به آرامش رسد یا فرزندان شایسته‌ای که باعث روشنایی دل و چشم او باشند و حلاوت و شیرینی عبادت خدا در روز یا شب یا شاد کردن دل بنده‌ای نیازمند را روزی کند، از همه اموال دنیا ارزشمندتر است. چه بسیار انسان‌هایی که اموال فراوانی در اختیار دارند، اما لحظه‌ای روی آرامش در زندگی ندیده‌اند و از اموال فراوان خود جز حرص زیاد کردن آن و یا خوف و اضطراب از دست رفتن آن بهره‌ای نبرده‌اند.

بنابراین با بررسی انجام شده می‌توان گفت که معنای رغائب در این دعای مشهور ماه رجب که از امام صادق علیه السلام وارد و به خواندن آن بعد از هر نماز واجب سفارش شده، تجلی یافته است: «یا مَنْ یُعْطِی الْکَثِیْرَ بِالْقَلِیْلِ یا مَنْ یُعْطِی مَنْ سَأَلَهُ یا مَنْ یُعْطِی مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تُحَنَّنْ مِنْهُ وَ رَحْمَةً أُعْطِنِی بِمَسْأَلَتِی اِیَاکَ جَمِیْعَ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ جَمِیْعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ وَ اصْرَفْ عَنِّی بِمَسْأَلَتِی اِیَاکَ جَمِیْعَ شَرِّ الدُّنْیَا وَ [جمع] شَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ مَا أُعْطِیْتَ وَ زِدْ نِیَّی مِنْ فَضْلِکَ یا کَرِیْمُ»، یعنی آن رغائب وعده داده شده، عطایی از جانب پروردگار است که همه خیرات دنیا و آخرت اعم از مادی و معنوی را که مورد رغبت بنده مؤمن و سعادت جوست، در بر می‌گیرد و خدای تعالی این عطا را در قبال آن نماز مخصوص با شرایط خاص که در اول شب جمعه ماه رجب می‌خواند خواهد بخشید. البته تأمل بیشتر در روایت نشان می‌دهد که «رغائب» در هر دو روایت مربوط به «لیلة الرغائب» و نافله صبح نادرست معنا شده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌ای که درباره اعتبار حدیث «لیلة الرغائب» انجام شد، روشن گردید که علی‌رغم شهرت این روایت از نظر سند و رجال موجود در آن ضعیف است. با این

حال نمی‌توان با قاطعیت حدیث را متهم به جعل و کذب کرد؛ چراکه همیشه ضعف سند برابر با کذب آن نیست. در نتیجه عمل به مفاد حدیث به قصد رجا بلا اشکال است. درباره معنای رغائب از طریق مراجعه به منابع ادب و لغت و روایات دینی و تاریخی انجام گرفت به دست آمد که این واژه در همه آثار بدون استثنا به معنای عطاهای بزرگ و بخشش‌های مادی و در ارتباط با مال و رزق و نظیر این‌هاست و معنا کردن آن به آرزوها نادرست است. همچنان‌که معنا کردن آن در روایات مربوط به نماز نافله صبح به ثواب عظیم نیز حق معنای این واژه را ادا نمی‌کند و شاید بتوان گفت چنین معنایی ستم در حق واژه و روایاتی است که از این واژه برای تشویق و ترغیب مردم به برخی عبادات و نمازهای مستحبی استفاده کرده است. آنچه از رهگذر مراجعه به منابع کهن عربی و فارسی در خصوص معنای «رغائب» به دست آمد، این است که مقصود از «رغائب» در نافله صبح احتمالاً عطایای بزرگ مرتبط با رزق مادی و معنوی و برکت در رزق است و در لیلة الرغائب همان وعده‌ای است که در پایان روایت بیان شده است، یعنی برآورده شدن هر حاجتی است که فرشتگان از خدا درخواست کنند، یا حاجتی که بنده مومن در پایان نماز، در سجده از خدای کریم و رغائب‌دهنده خود درخواست می‌کند.

پی‌نوشت:

* عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله ص: رجب شهر الله و شعبان شهرى و رمضان شهر أمتى قيل يا رسول الله ما معنى قولك رجب شهر الله قال لأنه مخصوص بالمغفرة فيه تحقن الدماء و فيه تاب الله على أوليائه و فيه أنقذهم من يد أعدائه ثم قال رسول الله ص من صامه كله استوجب على الله ثلاثة أشياء مغفرة لجميع ما سلف من ذنوبه و عصمة فيما بقى من عمره و أمانا من العطش يوم الفزع الأكبر فقام شيخ ضعيف و قال يا رسول الله إني عاجز عن صيامه كله فقال رسول الله ص صم أول يوم منه فإن الحسنه بعشر أمثالها و أوسط يوم منه و آخر يوم منه فإنك تعطى ثواب من صامه كله و لكن لا تغفلوا عن ليلة أول جمعة منه فإنها ليلة تسميها الملائكة ليلة الرغائب و ذلك إذا مضى ثلث الليل لا يبقى ملك فى السماوات و الأرض إلا و يجتمعون فى الكعبة و حوالها و يطلع الله عليهم اطلاعة فيقول لهم يا ملائكتى سلونى ما شئتم فيقولون ربنا حاجتنا إليك أن تغفر لصوام رجب فيقول الله عز و جل قد فعلت ذلك ثم قال رسول الله ما من أحد يصوم الخميس أول خميس من رجب ثم يصلى ما بين

العشاء و العتمة اثنتی عشرة ركعة يفصل بين كل ركعتين بتسليمة يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرة واحدة و إنا أنزلناه في ليلة القدر ثلاث مرات و قل هو الله اثنتی عشرة مرة فإذا فرغ من صلاته صلى على سبعين مرة يقول اللهم صل على محمد على آله - ثم يسجد و يقول في سجوده سبعين مرة سبح قدوس رب الملائكة و الروح - ثم يرفع رأسه فيقول سبعين مرة رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ و تجاوز عما تعلم إنك أنت العلي الأعظم ثم يسجد سجدة أخرى فيقول فيها ما قال في الأولى ثم يسأل الله تعالى حاجته في سجوده فإنها تقضى قال رسول الله ص و الذي نفسى بيده لا يصلى عبد أو أمة هذه الصلاة إلا غفر و الله له جميع ذنوبه و لو كانت ذنوبه مثل زبد البحر و عدد الرمل و وزن الجبال و عدد ورق الأشجار و يشفع يوم القيامة في سبع مائة من أهل بيته ممن قد استوجب النار فإذا كان أول ليلة في قبره بعث إليه ثواب هذه الصلاة في أحسن صورة فتجيئه بوجه طلق و لسان ذلق فيقول يا حبيبي أبشر فقد نجوت من كل شدة فيقول من أنت فو الله ما رأيت وجهاً أحسن من وجهك و لا سمعت كلاماً أحلى من كلامك و لا شممت رائحة أطيب من رائحتك فيقول يا حبيبي أنا ثواب تلك الصلاة التي صليتها في ليلة كذا من شهر كذا من سنة كذا جنتك الليلة لأقضى حقك و أونس وحدتك و أدفع عنك وحشتك فإذا نفخ في الصور ظللت في عرصة القيامة على رأسك فأبشر فلن تعدم الخير أبداً.

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹ش.
۲. ابراهيم مصطفی و همكاران، المعجم الوسيط، تهران: مكتبة المرتضوى، ۱۳۸۵ش.
۳. ابن اثير، محمد بن مبارك، النهاية في غريب الحديث و الاثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعيليان، ۱۳۶۷ش.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن، الموضوعات، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن حجر، لسان الميزان، بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۶. ابن طاووس، احمد بن موسى، بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لاحياء التراث، ۱۴۱۱ق.
۷. ابن طاووس، على بن موسى، الاقبال بالاعمال الحسنه، قم: دفتر تبليغات اسلام، ۱۳۷۶ش.
۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، بيروت: دار احياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الكتب الاسلاميه، بی تا.

۱۲. بروجردی، السید، جامع احادیث الشیعه، بی جا: مطبعة مهر استوار، بی تا.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۴. حموی، ابن حجره، خزانه الادب و غایة الارب، بیروت: دار صادر، ۱۴۲۵ق.
۱۵. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۱۶. خوارزمی، ابوبکر، مفید العلوم و مفید الهموم، بیروت: مکتبه عنصریه، ۱۴۱۸ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹م.
۲۰. زمخشری، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، بیروت: مؤسسه الاعلم للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۲۱. شوشتری، محمدتقی، النجعة فی شرح اللمعة، تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۴۰۶ق.
۲۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۲۴. ———، النخصال، قم: منشورات جماعة المدرسین، ۱۳۶۲ش.
۲۵. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام، نزهة المجالس و منتخب الفئاس، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲۶. طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی، مفتاح السعادة و مصباح السیاده، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. فاضل موحدی، محمد، جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم، بی تا.
۲۹. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات دهقانی، ۱۳۸۵ش.
۳۰. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح، قم: دار الرضی، ۱۴۰۵ق.
۳۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ش.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. ———، زاد المعاد، بیروت: بی نا، ۱۴۲۳ق.
۳۴. مدنی، سیدعلی خان، الطراز الاول، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۴ش.
۳۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.

۳۰۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

۳۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.

